

گفت وگویی اختصاصی شهروند با پیام فضلی نژاد (نویسنده سینمایی) پیرامون ماجرای احضار او به اداره اماکن

سینما، اداره اماکن و اعترافات پورزند!

## آرش آبادی

\* موج جدید هجوم به نشریات و نویسندگان سینمایی در پی اعترافات اجباری سیامک پورزند

\* سینمای ایران زیر ضرب مک کارتیسیم اداره اماکن

\* احضار شیرین عبادی، پروین اردلان، شاهرخ توپسرکانی، هوشنگ اسدی، نوشابه امیری و پیام فضلی نژاد به اداره اماکن

\* بازجویی پیرامون اندیشه ها و عملکرد هوشنگ اسدی، نوشابه امیری، عباس کیارستمی، فریدون جیرانی، علی معلم و خسرو دهقان

\* در اداره اماکن چه گذشت و بازجوها در پی چه اطلاعاتی هستند؟

## پیش درآمد:

پیام فضلی نژاد دبیر شورای سیاستگذاری مجله «فیلم و هنر» و عضو شورای سردبیری هفته نامه توقیف شده «سینما - جهان» بوده است. بهمن ماه سال گذشته و در آستانه برگزاری جشنواره فیلم فجر، قاضی مرتضوی حکم توقیف ماهنامه سینمایی «گزارش فیلم» و هفته نامه سینمایی «سینما جهان» را صادر کرد و موج هجوم به نشریات تخصصی سینمایی به راه افتاد. پیام فضلی نژاد نیز با شکایت مدعی العموم و یک شاکی خصوصی، ابوالقاسم طالبی (از چهره های شاخص حزب الهی و وابسته به جناح راست در میان نویسندگان سینمایی - مدیر مسئول و سردبیر نشریه دست راستی سینما ویدئو و کارگردان سینما) به دادگاه فرا خوانده شد. در آن زمان گفت وگویی با ایشان پیرامون رویدادها داشتیم که در شهروند سه شنبه خواندید. محمدحسن پزشکی معاونت سینمایی وزارت ارشاد دیداری با آقای شاهرودی، رئیس قوه قضاییه، داشتند و ایشان قول رفع توقیف از نشریات سینمایی در آستانه جشنواره فجر را دادند، ولی همه چیز در حد حرف و نشریات در توقیف باقی ماندند. ماه گذشته پس از محاکمه مدیر مسئول سینما جهان (هادی کریمی) و مدیر مسئول گزارش فیلم (کریم زرگر) مجوز این دو نشریه لغو شد. در اواخر تیرماه موج تازه احضار نویسندگان سینمایی به اداره اماکن در پی اعترافات اجباری و کاذب سیامک پورزند آغاز شد که پیام فضلی نژاد، هوشنگ اسدی و نوشابه امیری از جمله احضارشدگان بودند. گفت وگویی تلفنی با پیام فضلی نژاد داشتیم، و ماجرا را از زبان او میخوانید:

## موج جدید احضار و بازداشت:

موج جدید احضار به اداره اماکن آغاز شده است و پروین اردلان، شاهرخ توپسرکانی، هوشنگ اسدی، نوشابه امیری، شیرین عبادی و مرا تاکنون احضار کرده اند. خانم شیرین عبادی گویا آخرین نفر هستند که روزدوشنبه (۲۳ جولای) احضار شدند. مدیر روابط عمومی اداره اماکن با سایت «امروز» مصاحبه ای داشتند و در آن اظهار داشتند که این احضارها به حکم قاضی صابری انجام میگردد. گویا احضارهای جدید به پرونده آقای سیامک پورزند و اعترافات ایشان بر میگردد.

مرا در بهمن ماه سال ۸۰ در رابطه با پرونده شکایت بر علیه هفته نامه سینما جهان و توقیف آن احضار کرده بودند و ۲۷ خرداد امسال موج دوم بازداشت مرا فرا گرفت.

آقای تلفنی تماس گرفت و خودش را از اداره اماکن معرفی کرد و خواستار ملاقاتی با من شد.

SP00105

7/30/2002

گفت کار شخصی با شما دارم. من پاسخ دادم که شما را نمیشناسم و کار شخصی با شما ندارم و گفتم به دیدار شما نمی آیم چون آقایان تاج زاده و بورقانی به من توصیه کرده بودند که نرم. تقاضای ملاقات ایشان برایم خیلی عجیب بود. با آقای فرهاد شعبان شهیدی، معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد، تماس گرفتم و ایشان توصیه کردند که به ملاقات بروم تا ببینم چه میخواهند. قرار ملاقات را در پارک نیاوران گذاشتند.

## درخواست همکاری و فروش اطلاعات:

آقای ... جویای نظرات من در مورد سینمای ایران بود. میخواست با او و اداره اماکن همکاری کنم و نظرات مرا راجع به منتقدان، نویسندگان سینمایی - علی معلم، خسرو دهقان، فریدون جیرانی - و کیارستمی جویا شد و بحث را به مجله گزارش فیلم کشاند و در مورد همکاران مطبوعاتی من اطلاعات میخواست و سئوالاتی در مورد خط مشی مجله گزارش فیلم و روش و اندیشه های سردبیران این نشریه، نوشابه امیری و هوشنگ اسدی، میپرسید. من تنها سعی کردم ایشان را از توهم توطئه در سینمای ایران بیرون بیاورم و دیدگاه و نظرات خودم را پیرامون سینمای ایران بیان کردم و در برابر پیشنهاد همکاری شان پاسخ دادم که اشتباه کرده و آدرس را عوضی آمده است. و نمیتوانم همکاری اطلاعاتی ایشان با شرم. در مورد نشریه گزارش فیلم هم ایشان را به خود نوشته های آن مجله رجوع میدادم ولی ایشان نمیپذیرفت و فکر میکرد من اطلاعات وسیعی در مورد نویسندگان سینمایی و چرخه تولید سینما دارم. ایشان قرار ملاقات دیگری برای روز ۲۹ خرداد باز هم در پارک نیاوران گذاشتند.

## ملاقات دوم و تئوری توطئه:

به ملاقات دوم رفتم تا تصویر درستی از سینمای ایران به ایشان ارائه دهم چون با سینما و نقد سینمایی بیگانه بود و شناخت درستی از آن نداشت و برای مثال فکر میکرد سینمای کلاسیک آمریکا توطئه ای در برابر سینمای ایران است. من ساختار سینما و تصویر آن در میان مردم را برایش توضیح دادم و گفتم سینما توان ندارد که کیان یک نظام را به خطر بیندازد و برعکس ارزش و احترام فرهنگی برای کشور ما به وجود می آورد. اضافه کردم که این برداشت های شما یک سوء تفاهم و توهم درباره سینمای ایران و خطر آن است که با شناخت بیشتر میتوان آن را رفع کرد. ولی ایشان دیدگاهی کاملا مخالف من داشتند و بیشتر درگیر پدیده های اطلاعاتی - امنیتی بودند و همه چیز را توطئه میدیدند.

پیشنهاد آخر ایشان هم این بود که بیا با ما همکاری کن و ما کمک مادی هم پرداخت خواهیم کرد. من به ایشان پاسخ دادم که هر کسی برای کاری ساخته شده و من کسی نیستم که به شما اطلاعات بفروشم.

من همه کس را خوب میدیدم و خوشبختانه درباره شان حرف میزدم و او فریاد میزد که تو میگوی همه همه خوب هستند، پس چه کسی بد است؟ من پاسخ دادم که تفاوت همین جاست که من چیزی را بد نمیبینم.

## حکم احضاریه از سوی دایره خودروی ناجا!

روز ۲۴ تیرماه ساعت ۷ شب زنگ خانه مرا زدند و گفتند که از سوی نیروی انتظامی آمده اند. احضاریه ای به دست من دادند که فردا صبح ساعت ۹:۳۰ به اداره اماکن در خیابان مطهری نبش خیابان میرعماد بروم و گفتند در صورت عدم حضور، طبق مقررات و ضوابط با من رفتار خواهد شد.

زیر احضاریه را سرهنگی از سوی «دایره ویژه امور خودروی ناجا» امضا کرده بود!

من همان شب با دوستان خودم و چند مسئول تماس گرفتم و با آنها مشورت کردم. دوستی در یک نهاد قانونی اطلاعاتی به من توصیه کرد که به اداره اماکن بروم.

آقای بورقانی عضو هیأت رئیسه مجلس را در جریان ماجرا گذاشتم و از ایشان خواستم تا با معاون پارلمانی اداره اماکن صحبت کنند و جویا شوند که این احضاریه برای چیست. برای خودم مسجل بود که احضاریه به

خاطر عدم همکاری با آنهاست. با آقای تاج زاده و آقای طه هاشمی (مدیر مسئول روزنامه انتخاب و عضو هیأت مدیره دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه) هم صحبت کردم و قرار شد ایشان با آقای ایزدپناه (معاون آقای شاهرودی) صحبت کنند. برآیند این مشورت ها این بود که فردا به اداره اماکن بروم تا شاید ماجرا فیصله پیدا کند، غده سرطانی نشود و به لج بازی نیفتند.

## بازداشت بدون حکم قانونی:

در اداره اماکن با همان آقای روبه رو شدم که در پارک نیاوران ملاقات کرده بودم. ایشان با برخوردی زننده و تحکم آمیز مرا از اتاق بیرون فرستاد و سپس به گروه بانوی گفت که این متهم بازداشت است. مرا جست و جوی بدنی کردند و کلید خانه و سوییچ اتومبیل را از من گرفتند و داخل اتاقی بازداشت کردند. نیم ساعت بعد، همان فرد آمد و به من با تمسخر گفت که «فضلی نژاد دیگر بازداشت هستی و معروف میشوی و روی آنتن تلویزیون NITV میروی و ازت یک قهرمان میسازند» و سپس پرسید که چقدر وثیقه از شما بگیریم. برخورد وحشتناکی داشت و نحوه و نوع بازجویی و سنوالات با حالت عجیب و غریبی همراه بودند و مربوط میشدند به پرونده آقای سیامک پورزند و اعتراف ایشان.

دو سه ساعتی در آن اتاق بودم. ایشان با حالت تهدیدآمیزی برخورد میکرد که اگر همکاری نکنی چه میکنیم و میپرسید در این دو سه سال اخیر در مطبوعات سینمایی چه کارهایی کرده ای و چه کسانی تو را هدایت میکردند. میگفت میدانیم که آقای پورزند و ارتباطات با خارج باعث شده که این نقدها و مطالب سینمایی خودت را بنویسی.

نزدیک ظهر با ۵۰-۶۰ برگ بازجویی به اتاق بازگشتند و گفتند تا یک ساعت دیگر اگر بیست صفحه نوشتی که آزاد میشوی و اگر نویسی در بازداشت خواهی ماند؛ دو سه ماه بازداشت موقت و بعد هم هشت نه سال زندان! من از ایشان خواستم که بر طبق روبه فضایی حاکم، حکم قاضی را به رویت من برسانند که ایشان این کار را نکردند. بعدا هم از مسئولان شنیدم که اداره اماکن حق بازداشت ندارد و تنها قرار بر این شده که بازجویی کنند.

من تذکری در مورد حقوق قانونی خودم به ایشان دادم که باید تفهیم اتهام بشود و تا این کار انجام نشود نمیتوانم چیزی بنویسم. فضای روانی بسیار ناخوشایندی برای من ایجاد کرده بودند.

اتاق بازداشت دائم به خاطر عملیات بنایی در طبقه بالا میلرزید و رفتار تحکم آمیز و توهین آمیزی با من داشتند.

من صبحانه نخورده بودم و آدم قوی بنیه ای نیستم و آنها هم جزء یک لیوان آب چیزی در اختیار من نگذاشتند. اعصاب و روان مرا به هم ریخته بودند. هر بار هم که آقای بازجو می آمد و میرفت، در را چنان محکم به هم میکوبید که گویی پتک بر سر آدم فرود می آوردند. تمام تلاشم این بود که از اداره اماکن خارج شوم تا به مسئولان بگویم که در آنجا چه میگذرد.

## بازجویی پیرامون رابطه با سیامک پورزند:

آقای بازجو سنوالات پرت و پلایمی میکرد و مثلاً میپرسید شما در ساخت یک فیلم مبتدل دست داشته اید که اصلاً حقیقت نداشت و برای اولین بار بود که چنین چیزی میشنیدم.

ایشان درباره چگونگی ارتباط من با آقای پورزند پرسیدند و من پاسخ دادم که وقتی دبیر شورای سیاستگزاری در مجله «فیلم و هنر» بودم (سال ۷۹) برای نخستین بار ایشان را دیدم و مصاحبه ای با ایشان کردم. گفتم برای این که در عرصه نقد سینمایی پیشکسوت هستید، احترامی معنوی برای آقای پورزند قائل هستم.

من از طریق یکی از معاونین آقای ابوالقاسم طالبی (مدیر مسئول و سردبیر نشریه سینما ویدئو) با آقای پورزند

آشنا شده بودم و خود آقای طالبی خیلی ارادت به آقای پورزند میورزید و حتی در گفت و گو با خبرنگار ایسنا گفته بود که به خاطر آقای پورزند شکایت خودم را از افضل نژاد پس میگیرم که البته پس نگرفته اند و پرونده نزد قاضی مرتضوی هنوز باز است.

آقای بازجو گفتند که آقای پورزند اعتراف کرده اند که تحریریه نشریه سینما - جهان را سازماندهی کرده و مرا به گفت و گو با احسان نراقی، پوران فرخزاد، تهمینه میلانی، محمود دولت آبادی، سیمین بهبهانی و دگرانیشان میفرستاده است که این اظهارات اصلا حقیقت ندارد. آقای پورزند چهار بار بیشتر به هفته نامه سینما جهان نیامده بودند و ما هیچ بده بستانی با ایشان نداشتیم، فقط م صاحبه ای با آقای بیضایی انجام دادند و مطلبی در مورد فوت آقای ساموئل خاچیکیان نوشتند که در هفته نامه سینما جهان چاپ شدند.

آقای موسوی (سردبیر سینما جهان) میانه خوبی با آقای پورزند نداشتند و همیشه تذکر میدادند که سروکله شان زیاد در مجله پیدا نشود. خود من نیز به عنوان پیشکسوت به ایشان احترام میگذاشتم و مطلقا هیچ اطلاعی از این اعترافات کاذب نداشتیم و همه آنها نادرست بودند.

آقای بازجو نظر مرا درباره انحرافات در سینمای ایران جویا میشدند که من اصلا اعتقادی به انحراف در سینمای ایران نداشتیم و ندارم و تنها برداشت خودم را در مورد سینمای ایران توضیح دادم و سعی کردم ایشان را از توهم در بیاورم.

### بازداشت و محاکمه در صورت عدم همکاری اطلاعاتی!

حرف آخر آقای سرهنگ بازجو این بود که پرونده شما به صورت امنی پیش ما خواهد ماند. اگر همکاری کنید این پرونده اینجا میماند و اگر همکاری نکنید آن را به مراجع قضایی میفرستیم! که البته من گفتم، خوشحال میشوم که پرونده مرا به مراجع قضایی ذیصلاح بفرستید تا تکلیف روشن شود.

در اداره اماکن اصلا حکمی ارائه نمیکنند و نمیدانیم طرف مقابل ما کیست و چه مقامی دارد و حتی با چه عنوانی باید او را خطاب کنیم. برای چهره های فرهنگی حتی این قدر حرمت قائل نمیشوند که طرف مقابل خود را بشناسند و بدانند در برابر چه بازجویی قرار گرفته و به خاطر چه اتهامات مشخصی و با چه حکم قضایی روشنی بازجویی میشوند!

رئیس اداره اماکن در مصاحبه ای گفته که ما به خاطر احترام به هنرمندان آنها را به اداره اماکن احضار میکنیم تا به کلانتری نروند. آخر این چه احترامی است؟ آقای بازجو دائم مرا تهدید میکرد که شما را بازداشت خواهیم کرد و به صورت دراز مدت میهمان ما خواهید بود! آخر به چه حقی؟

سرانجام ساعت پنج بعدازظهر مرا آزاد کردند و چون غذایی به من نداده بودند، زیر سرم رفتم و تا سه روز نتوانستم کاری انجام بدهم.

### شکایت و گزارش به مقامات و نهادهای بالاتر:

من گزارشی سیزده صفحه ای در مورد این برخوردها و شرایط بازداشت به کمیسیون حقوق بشر اسلامی دادم و قرار شد این گزارش را به دست یک وزیر برسانند. نامه ای هم به صورت خصوصی برای وزیر ارشاد آقای مسجدجامعی نوشته ام و ترجیح دادم به صورت سرگشاده نباشد. مصاحبه ای هم با ایسنا [خبرگزاری دولتی دانشجویان] داشتم و در این مصاحبه گفتم که این اقدامات اداره اماکن به ضرر خودش تمام میشود و این غده سرطانی دارد خودش را نشان میدهد. آقای خاتمی هم اکنون در سفر خارج از کشور هستند و این احضارها شروع شده است. من امیدوارم که دفتر رئیس جمهوری قضیه را پیگیری کنند تا به نتیجه ای برسیم. تاکنون این پیگیری ها به جایی نرسیده و از طرف آقای بازجو و اداره اماکن همچنان با من تماس میگیرند و من تماس هایشان را بی پاسخ میگذارم. من حیرت زده هستم که این همه مسئولان بلندپایه چرا کاری نمیتوانند بکنند!

## سایه ترس بر سینمای ایران!

آدم دچار یأس شدیدی میشود که ۹ ماه در یک نشریه کار کرده و آن را تبدیل به پرنیازترین مجله سینمایی کشور نموده و حالا به دلیل کار فرهنگی که به خاطر بالندگی فرهنگی همین نظام انجام شده است، زیر بازجویی میرود. من دیگر کاملاً از تولید فرهنگی پشیمان شده ام چون واقعا بازی خطرناکی با زندگی آدم است.

خانم نوشابه امیری و آقایان اسدی و موسوی، پس از سالها تجربه گرانبها از فعالیت مطبوعاتی کنار کشیده اند و محروم شده اند. نمیدانم ماجرا حقیقت دارد یا خیر، ولی شنیده ام که گویا آقای کیارستمی هم به اداره اماکن احضار شده اند. دارند آبروی فرهنگی - هنری جمهوری اسلامی را در سطح جهان از بین میبرند. اکنون این احضارها به اداره اماکن، اعترافات کاذب آقای سیامک پورزند و توقیف نشریات سینمایی، جو به شدت ترسناکی را بر سینما و نشریات سینمایی حاکم کرده است. هیچ تکاپویی برای قضاوت جدی در مطبوعات سینمایی دیده نمیشود و همه میترسند که نشریه شان توقیف بشود.

همه را خوف برداشته است و هیچ بحث جدی در نشریات جاری نمیشود. دیگر همه از تولید فرهنگی هراس دارند. مجله فیلم هم به سوی رخوتی رفته که آن را از حیز انتفاع انداخته است. گویا خطراتی ماهنامه دنیای تصویر را نیز تهدید میکند، چون به هر حال ماهنامه ای است که جدی تر فعالیت میکند. هفته نامه سینما که تبدیل به نشریه ای بی بو و خاصیت شده است و تنها به صاحبها با بازیگران دست سوم و چهارم دست میزند.

این جو به سینمای ایران نیز تسری پیدا کرده است. فیلمسازان میترسند که اگر فیلمی بسازند، فردا باید در اداره اماکن پاسخگو باشند. و فیلمی مانند «من ترانه، پانزده سال دارم» دیگر ساخته نخواهد شد.

### ماجرای توقیف سینما جهان و دروغگویی مدیر مسئول آن در دادگاه:

آقای هادی کریمی در دادگاه به دروغ گفتند که یک ساعت هم در نشریه حضور نداشته و دستور چاپ هیچ کدام از مطالب را نداده اند و درخواست تبرئه خود را کردند. اینها همه دروغ است. من دبیر سرویس های نقد فیلم، سینما - ادبیات، سینما - سیاست و پیگیری ستون سرمقاله این نشریه بودم و شاهد بودم که آقای دکتر هادی کریمی حداقل روزی ۱۲ ساعت در دفتر مجله بودند، حتی پاراگراف بعضی از مطالب را عوض میکردند، همه مطالب را میخواندند و همه عکس ها و مطالب با تایید ایشان به چاپ میرسید. ایشان در دادگاه گفت که من بیمار بودم و به خارج رفتم و در ایران حضور نداشتم، حال آن که تنها یک هفته به فرانسه رفته بودند و بقیه ۹ ماه را در ایران بودند. ایشان خواستند خود را در دادگاه بی گناه نشان بدهند و اظهار داشتند که اختیارات خودم را به دکتر امید روحانی واگذار کرده بودم. ماجرا خیلی عجیب است و بوی تباخی با جناح راست می آید، چون ایشان روز توقیف هفته نامه خیلی خوشحال بودند و در دادگاه هم گفتند که توقیف به جایی بود که قاضی مرتضوی انجام دادند. ایشان توانست دروغ های خودش را به دادگاه بیاوراند و سرانجام هم عذرخواهی کرد و گفت پشیمان هستم. ایشان شب قبل از دادگاه، به مدت ۴ ساعت در دفتر آقای ابوالقاسم طالبی بودند و نامه ای را امضا کردند و به آقای طالبی دادند که «بنده از شیطنت های مطبوعاتی که در تحریریه سینما جهان انجام شد تبری میجویم.» آخر چرا نامه را به آقای طالبی داده اند، مگر ایشان چه کاره هستند؟

آقای طالبی هم به عنوان شاکی خصوصی، شکایت خود را از آقای کریمی پس گرفتند. بعد هم به پرداخت خسارت و شلاق محکوم شدند که جریمه شلاق بعداً به پرداخت خسارت تبدیل شد.

ایشان بنا را بر عدم دفاع از خط مشی نشریه سینما جهان گذاشتند تا به قول خودشان، کار بدتر نشود، چون الان میخواهند فیلم خودشان را بسازند. الان همه اهالی سینما به او به عنوان یک آدم فریبکار نگاه میکنند.

### لغو مجوز نشریات گزارش فیلم و سینما جهان:

امتیاز دو نشریه سینمایی گزارش فیلم و سینما جهان لغو شد و این بازخوردهای خیلی منفی داشت.

آقای زرگر، مدیر مسئول مجله گزارش فیلم، هم بر علیه سردبیران نشریه آقای هوشنگ اسدی و خانم نوشابه امیری در دادگاه صحت کرد که اینها مرا اغفال کرده بودند.

جو به شدت ترسناکی را بر سینما و نشریات سینمایی حاکم کرده است. هیچ تکاپویی برای قضاوت جدی در مطبوعات سینمایی دیده نمیشود و همه میترسند که نشریه شان توقیف بشود

همه را خوف برداشته است و هیچ بحث جدی در نشریات جاری نمیشود. دیگر همه از تولید فرهنگی هراس دارند. مجله فیلم هم به سوی رخوتی رفته که آن را از حیز انتقاع انداخته است. گویا خطرانی ماهنامه دنیای تصویر را نیز تهدید میکند، چون به هر حال ماهنامه ای است که جدی تر فعالیت میکند. هفته نامه سینما که تبدیل به نشریه ای بی بو و خاصیت شده است و تنها به مصاحبه با بازیگران دست سوم و چهارم دست میزند

آقای هادی کریمی در دادگاه به دروغ گفتند که یک ساعت هم در نشریه حضور نداشته و دستور چاپ هیچ کدام از مطالب را نداده اند و درخواست تبرئه خود را کردند. اینها همه دروغ است. من دبیر سرویس های نقد فیلم، سینما - ادبیات، سینما - سیاست و پیگیری ستون سرمقاله این نشریه بودم و شاهد بودم که آقای دکتر هادی کریمی حداقل روزی ۱۲ ساعت در دفتر مجله بودند، حتی پاراگراف بعضی از مطالب را عوض میکردند، همه مطالب را میخواندند و همه عکس ها و مطالب با تایید ایشان به چاپ میرسید

بوی تبانی با جناح راست می آید، چون ایشان روز توقیف هفته نامه خیلی خوشحال بودند و در دادگاه هم گفتند که توقیف به جایی بود که قاضی مرتضوی انجام دادند

ایشان توانست دروغ های خودش را به دادگاه بیاوراند و سرانجام هم عذرخواهی کرد و گفت پشیمان هستم. ایشان شب قبل از دادگاه، به مدت ۴ ساعت در دفتر آقای ابوالقاسم طالبی بودند و نامه ای را امضا کردند و به آقای طالبی دادند که «بنده از شیطنت های مطبوعاتی که در تحریر سینما جهان انجام شد تبری میجویم

## آقای طالبی هم به عنوان شاکی خصوصی، شکایت خود را از آقای کریمی پس گرفتند

ایشان بنا را بر عدم دفاع از خط مشی نشریه سینما جهان گذاشتند تا به قول خودشان، کار بدتر نشود، چون الان میخواهند فیلم خودشان را بسازند. الان همه اهالی سینما به او به عنوان یک آدم فریبکار نگاه میکنند

آقای زرگر، مدیر مسئول مجله گزارش فیلم، هم بر علیه سردبیران نشریه آقای هوشنگ اسدی و خانم نوشابه امیری در دادگاه صحبت کرد که اینها مرا اغفال کرده بودند